

# منسخ از نگاه تحقیق



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

علی کربلایی پازوکی

## فصل اول : اهمیت شناخت ناسخ و منسوخ

یکی از موضوعات مهم علوم قرآن و علم تفسیر مسأله «نسخ» است . اعتقاد یا عدم اعتقاد به نسخ در قرآن و سنت و احکام ، و چگونگی نسخ هر کدام به وسیله دیگری تأثیر فراوانی بر آرای فقهی و تفسیری دارد . بحث نسخ یکی از مسائلی است که از دیر زمان مورد توجه مفسران و اصولیان بوده است . اهمیت آگاهی بر ناسخ و منسوخ را می توان در چند حوزه مورد بررسی قرار داد :



## الف- اهمیت نسخ در باب تشریح و قانونگذاری

از آنجا که انسان موجودی کمال طلب است و اساس خلقت انسان نیز برای رسیدن به کمال است، لازم است در برخی موارد در قوانین و مقرراتی که با دست خود وضع کرده، تغییراتی ایجاد کند. با ظهور دین اسلام حرکت اصلاحی در جهت کمال و پیشرفت انسانها و خارج کردن آنها از تاریکی‌ها شروع شد. از این رو ضرورت وجود مسأله‌ای به نام نسخ در قوانین تشریحی ظهور بیشتری می‌یابد. زیرا قوانین وضع شده از طرف خداوند عالم بنا بر مصالح بندگان است و در بعضی موارد این مصالح به دلیل دگرگونی‌های زمان و مکان تغییر می‌یابد، در نتیجه قوانین مربوط به آن نیز دگگون می‌شود.<sup>۱</sup> بنابراین زمانی که قانونی دارای مصلحت نباشد و نتواند به نیازهای ضروری انسانها پاسخ دهد منسوخ می‌شود. پس حکمت نسخ در قوانین شرعی از این باب است، نه از باب جهل خداوند. چون خداوند عین علم و آگاهی است و فرض جهل در وجود خدا راه ندارد.

## ب- نسخ از جنبه تفسیری، فقهی و اصولی

اعتقاد یا عدم اعتقاد به نسخ در مسائل فقهی، اصولی و تفسیری تأثیر گذار است. ابن حزم اندلسی می‌گوید:

این فن از علم، از تمامات علم اجتهاد است، چون رکن عظیمی در باب اجتهاد است.<sup>۲</sup>  
زرکشی در البرهان می‌گوید:

قال الاثمه: لا يجوز لاحد ان يفسر كتاب الله الا بعد ان يعرف منه الناسخ و المنسوخ.<sup>۳</sup>  
جایز نیست احدی کتاب خدا را تفسیر کند، مگر بعد از شناخت ناسخ از منسوخ.  
آیات قرآن، اولین، معتبرترین و مطمئن‌ترین منبع استنباط حکم برای فقیه است. فقیه باید آیات را از حیث دلالت، مقاصد، ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه بودن مورد بررسی قرار دهد. البته فقیه دلالت آیه را با استفاده از علم اصول به دست می‌آورد و علم اصول نیز در یافته‌های قرآنی خویش، مدیون علم تفسیر است.<sup>۴</sup>

بنابراین هر سه علم فقه، اصول و تفسیر نیازمند شناخت آیات ناسخ و منسوخ هستند، و بدون شناخت این مسأله در مباحث آنها خلل ایجاد می‌شود.

## ج- اهمیت نسخ در مباحث کلامی

از آنجا که نسخ، ازاله حکم است، لذا اعتقاد به نسخ با توجه به اینکه شارع و قانونگذار حقیقی خداوند عالم است، منجر به پیش آمدن یک سری شبهات می‌شود که عبارتند از: جهل خداوند، تحصیل حاصل بودن، لغویت نسخ و... که برای پاسخگویی به این شبهات باید مسأله

نسخ را به دقت بررسی کرد. ۵.

### د- پاسخ به دشمنان اسلام در باب نسخ

یهود و نصاری از دشمنان سرسخت اسلام هستند که از صدر اسلام تا به حال از حربہ نسخ سوء استفاده کرده و به دین اسلام تاخته اند و قائل اند که اگر دین، دین برحق باشد، نباید در احکام آن نسخ صورت بگیرد و چون در احکام اسلام نسخ راه یافته است، بنابراین دین برحق نیست، ولی در دین یهود و نصاری چون هیچ گونه نسخی راه نیافته است، هنوز مشروعیت دارند.

بعضی از نویسندگان به دلیل عجز از پاسخگویی و ضعف بنیہ علمی خود، قائل شده اند که اصلاً در دین اسلام نسخ واقع نشده است و در این زمینه با دشمنان اسلام همسو شده اند، ۶ پاسخ استدلالی به این افراد در گرو شناخت ناسخ و منسوخ در قرآن است.

### ه- کشف سیر تشریح در عصر نزول

با توجه به اینکه قرآن در طول ۲۳ سال بر وجود مبارک پیامبر گرامی اسلام ﷺ نازل شده است و آیات قرآن بر اساس مصالح عباد بوده است، ۷ با بررسی آیات ناسخ و منسوخ می توان به چگونگی سیر تشریح در عصر نزول پی برد.

### و- فهم محتوای اسلام و هدایت شدن به احکام صحیح

ابن عباس، در تفسیر آیه «و من یؤت الحکمة فقد اوتی خیرا کثیرا» (بقره، ۲/۲۶۹) می فرماید: بمعرفة ناسخ القرآن و منسوخه و محکمه و متشابهه و مقدمه و مؤخره و حلاله و حرامه. ۸ منظور از حکمت، شناخت ناسخ قرآن و منسوخ آن، محکم و متشابه و مقدم و مؤخر و حلال و حرام آن.

در روایت دیگری حضرت علی علیه السلام، به فردی که در مسجد در حال موعظه بود، فرمودند: آیا تو که مردم را موعظه می کنی، ناسخ از منسوخ را می شناسی، آن مرد گفت نه، حضرت فرمودند: از مسجد ما بیرون برو.

از این روایت فهمیده می شود که شناخت ناسخ از منسوخ قرآن در فهم دقیق و درست آیات تأثیر بسزایی دارد. ۹

### ز- شیوه تربیتی اسلام

با توجه به آیات ناسخ و منسوخ می توانیم به شیوه تربیتی اسلام پی ببریم، و بفهمیم که اسلام بنای پیاده شدن بعضی احکام را بر تدریج گذاشته و بر اساس آیین فطرت و روش آسان گرفتن و دین سمحه و سهله است، و بنا بر مصالح مردم قوانین تشریحی را بر انسانها عرضه داشته است.

نتیجه :

۱. پدیده نسخ از بنیادی ترین مسائل در امر تشریح و قانونگذاری است.
۲. بحث نسخ در حوزه تفسیر، فقه و اصول یک مبحث کلیدی است.
۳. نسخ یکی از راه های اثبات حقانیت اسلام و پاسخ تحلیلی به دشمنان آن است.
۴. با پرداختن به نسخ، به چگونگی سیر تشریح و تدریجی بودن احکام پی می بریم.

\* نسخ از نگاه تحقیق

## فصل دوم : پیشینه تاریخی نسخ

پدیده نسخ همچون دیگر احکام اسلام از صدر اسلام مطرح بوده و همانند مسائل دیگر در خلال آیات الهی بر پیامبر نازل شده و پیامبر هم این آیات را بر مردم تلاوت فرمودند: «ما ننسخ من آیه او ننسها نأت بخیر منها او مثلها» (بقره، ۲/ ۱۰۶)

بعد از پیامبر گرامی اسلام ﷺ نیز ائمه اطهار علیهم السلام به این مسأله پرداخته اند. از جمله حضرت علی علیه السلام در خطبه اول نهج البلاغه در فقره ۴۶ به این مطلب اشاره فرموده اند. بنابر نظر دانشمندان بزرگ علوم قرآن و حدیث و فقه از فریقین، حضرت علی علیه السلام اولین کسی است که آیات ناسخ و منسوخ را در مصحف خود بر حسب ترتیب نزول جمع آوری کرده است. ۱۰

زرقانی ۱۱ در مناهل العرفان می گوید:

سیوطی از ابن الفرس از حدیث محمد بن سیرین در رابطه با چگونگی قرآن علی بن ابی طالب سخن گفته و به این مطلب اشاره کرده است که در قرآن علی بن ابی طالب آیات ناسخ و منسوخ بر حسب ترتیب نزول جمع آوری شده است.

نتیجه :

بنابر مطالبی که عنوان شد، مسأله نسخ از زمان پیامبر ﷺ مطرح بوده و در لسان ائمه علیهم السلام با همین عنوان مورد توجه بوده است. بنابراین واژه نسخ را نمی توان نادیده گرفت و بطور کلی انکار کرد.

## فصل سوم : سیر نگارش های ناسخ و منسوخ از آغاز تا کنون

همانگونه که در بحث پیشینه تاریخی متذکر شدیم، سخن از نسخ از زمان نزول وحی مطرح بوده و ائمه اطهار علیهم السلام نیز به آن پرداخته اند. لذا شایسته است اولین نگارنده را در باب نسخ



حضرت علی علیه السلام بدانیم. بنابراین اولین نگارنده مربوط به قرن اول هجری می شود.  
سیوطی در الاتقان می گوید:

جمع زیادی در رابطه با ناسخ و منسوخ کتاب نوشته اند که بعضی از آنها عبارتند از: ابو عبید  
القاسم بن سلام، ابو داود سجستانی، ابو جعفر نحاس، ابن الانباری مکی، ابن العربی و  
عده ای دیگر. ۱۲

ابن ندیم (م ۳۸۰ هـ. ق) در فهرست خود تحت عنوان «الکتب المؤلفة فی ناسخ القرآن و  
منسوخه» نام هجده کتاب را که تا زمان وی تألیف شده، ذکر کرده است. ۱۳  
اگر بخواهیم گزیده نگارش های اسلام را در باب ناسخ و منسوخ قرآن، بر حسب تاریخ  
وفات آنها بر شماریم عبارتند از:

۱. حضرت علی علیه السلام (م ۴۰ هـ. ق)
۲. عطاء بن مسلم یا عطاء بن ابی مسلم، ابو عثمان خراسانی (م ۱۱۵ یا ۱۳۰ هـ. ق) ۱۴
۳. قتادة بن دعامة سدوسی (م ۱۱۷، ۱۱۸ هـ. ق) ۱۵
۴. محمد بن شهاب زهري (م ۱۲۶ هـ. ق)
۵. محمد بن سائب ابونصر الکوفی الشيعی (م ۱۴۶ هـ. ق) ۱۶
۶. عبدالله بن عبدالرحمن الاصم المسعمی الشيعی البصری، از اصحاب امام صادق علیه السلام،  
از علمای قرن دوم هجری. ۱۷
۷. احمد بن محمد بن عیسی قمی اشعری (م ۲۲۴ هـ. ق)، از اصحاب امام رضا علیه السلام. ۱۸
۸. حسن بن فضال (م ۲۲۴ هـ. ق) از اصحاب امام رضا علیه السلام. ۱۹
۹. ابو عبید قاسم بن سلام بغدادی (م ۲۲۴ هـ. ق)، ۲۰
۱۰. ابو داود سجستانی (م ۲۷۵ هـ. ق) ۲۱
۱۱. ابو عبدالله محمد بن حزم (ت ۳۲۰ هـ. ق) ۲۲
۱۲. ابو مسلم محمد بن بحر اصفهانی معتزلی، صاحب کتاب «جامع التاویل لمحكم  
التنزیل» (م ۳۲۲ هـ. ق) ۲۳
۱۳. ابو جعفر نحاس (م ۳۳۷ هـ. ق) ۲۴
۱۴. هبة الله بن سلامة الضرير (ت ۴۱۰ هـ. ق) ۲۵
۱۵. ابن العربی (ت ۵۴۳ هـ. ق) ۲۶

۱۶. ابن جوزی (م ۵۹۷ هـ. ق) ۲۷

لازم به ذکر است که کتاب تمام این افراد در دسترس نیست. نویسندگانی که کتاب‌های آنها در دسترس قرار دارد، به ترتیب زیر است. ۲۸

۱. ابو جعفر نحاس، صاحب «الناسخ و المنسوخ»
۲. هبة الله بن سلامه، صاحب «الناسخ و المنسوخ من کتاب الله عزوجل»
۳. عبد القاهر بغدادی، صاحب «الناسخ و المنسوخ»
۴. ابن هلال، صاحب «ایجاز فی ناسخ القرآن و المنسوخ»
۵. ابن جوزی، صاحب «نواسخ القرآن و عدة الراسخ فی معرفة المنسوخ و الناسخ»
۶. ابن خزیمه، صاحب «المعجز فی الناسخ و المنسوخ»
۷. اسفراینی، صاحب «الناسخ و المنسوخ»

کتاب‌های دیگری هم در این زمینه تألیف شده که علاقمندان می‌توانند به کتاب البرهان فی علوم القرآن زرکشی، ۲ / ۲۸ مراجعه کنند، محقق این کتاب، در پاورقی کتاب‌های تألیف شده در این باره را یادآور شده است.

### نویسندگان معاصر در باب نسخ

دانشمندانی که در قرن ۱۴ و ۱۵ هجری در این باره کتاب مستقل نگاشته‌اند عبارتند از:

۱. دکتر مصطفی زید، از دانشمندان بزرگ معاصر که کتاب «النسخ فی القرآن الکریم» ایشان بنابر اعتقاد آشنایان به این فن یکی از بهترین و دقیق‌ترین کتب در این زمینه است.
۲. دکتر علی حسن عریض، صاحب کتاب «فتح المنان فی نسخ القرآن».
۳. دکتر شعبان محمد اسماعیل، صاحب کتاب «النسخ فی الشرایع السماویة» چاپ مصر، ۱۴۰۸ هـ. ق. ۲۹
۴. جواد موسی محمد عفانه، صاحب کتاب «الرای الصواب فی نسخ الکتاب»، عمان، اردن، ۱۴۱۲ هـ. ق.
۵. دکتر محمد صالح علی مصطفی، صاحب کتاب «النسخ فی القرآن الکریم»، چاپ دمشق.

## فصل چهارم: معنای نسخ

### الف: نسخ در لغت

نسخ در لغت به چهار معنا استعمال شده است: ۳۰

۱. باطل نمودن چیزی و بکار بردن چیزی بجای آن.
  ۲. تبدیل نمودن چیزی به چیز دیگر.
  ۳. نقل چیزی از جایی به جای دیگر بدون تغییر ماهیت.
  ۴. استنساخ و رونویسی کتابی از کتاب دیگر و حروفی از حروف دیگر.
- جوهری نیز در «صحاح» می گوید:

نسخ به دو معنای ازاله و تغییر به کار می رود: *نسخت الشمس الظل*، ازلته و *نسخت الريح آثار الدار*، غیرتها. آفتاب سایه را از بین برد و باد آثار بقایای خانه را تغییر دارد. بنابراین جوهری قائل است: نسخ به معنای ازاله و از بین بردن حکم است. در *مفردات* راغب آمده است:

نسخ یعنی از بین بردن چیزی به واسطه چیزی که پس از آن می آید. مثل از بین بردن آفتاب سایه را و سایه آفتاب را و پیری جوانی را. واژه نسخ، گاه به معنای ازاله و گاه به معنای اثبات آمده است. ۳۱

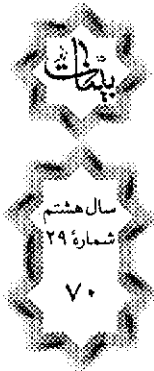
به اعتقاد زرقانی، نسخ در لغت عرب به دو معنا بکار رفته است: ۳۲

۱. ازاله و اعدام چیزی مثل: «ما ارسلنا من قبلك من رسول ولا نبی الا اذا تمّتی القی الشیطان فی امنیته فینسخ الله ما یلقى الشیطان» (حج، ۲۲/۵۲).
- در این آیه، منظور از «فینسخ الله» یعنی خداوند القای شیطان را نابود کرده و از بین می برد.
۲. انتقال و تحویل یک چیز به چیز دیگر با بقای آن. نسخ کتاب به همین معنا می باشد، زیرا در استنساخ نوعی نقل و انتقال وجود دارد.

حضرت آیت الله خوئی (ره) در بیان آورده اند:

نسخ در لغت به معنای زیر است:

۱. نوشتن چیزی از روی نوشته دیگر و اشتقاق کلمه های معروف استنساخ و انتساخ نیز از همین ماده است.
  ۲. نقل و تغییر دادن، مثل «تناسخ الموارث و الدهور» یعنی ثروتها و زمانها متغیر گردید.
  ۳. ازاله و از بین بردن، مثل «نسخت الشمس الظل» یعنی آفتاب سایه را از بین برد.
- نسخ در میان صحابه پیامبر اکرم و مسلمانان بعد نیز، بیشتر در همین معنا استعمال می شده



است؛ و به مخصص و مقید و هر آنچه استثنا و تبصره‌ای بر کلیات و عمومات باشد ناسخ گفته می‌شده است، زیرا اینها در واقع حکم را تغییر داده و از بین می‌برند. ۳۳

مصطفی زید، نیز در فصل اول از کتاب «النسخ فی القرآن الکریم» در باب معنای نسخ می‌گوید، اکثر لغت شناسان، نسخ را به سه معنای ازاله، نقل و ابطال گرفته‌اند و تنها در یک مسأله با هم اختلاف دارند، که کدام یک از این معانی، معنای حقیقی و کدام یک معنای مجازی است. ۳۴

علی حسن عریض قائل است: حق آن است که نسخ در لغت دلالت بر ازاله و ابطال نماید و معنای حقیقی این واژه نیز همان ازاله و ابطال است. چون قرآن کریم در طی سه آیه‌ای ۳۵ که دلیل بر وقوع نسخ است، نسخ را در معنای ازاله بکار برده است. و این دلیل بزرگی بر این مدعاست.

#### نتیجه:

با توجه به معنای عنوان شده از دیدگاه لغت شناسان، واژه نسخ در معنای ازاله و نقل، ابطال، محو کردن، اثبات و نسخه برداری بکار رفته است. آنچه از واژه نسخ در ابتدا به ذهن متبادر می‌شود، معنای ازاله است و معنای دیگر از باب مجاز است. و دلیل آن هم این است که در آیات سه گانه نسخ، واژه نسخ به معنای ازاله بکار رفته است و اکثر افراد مثل راغب، جوهری، زرقانی، آیت الله خوئی «ره» و مصطفی زید و... معنای حقیقی نسخ را همان «ازاله» ذکر کرده‌اند. پس نسخ در لغت یعنی ازاله و از بین بردن.

#### ب- نسخ در اصطلاح و تطور مفهومی آن از آغاز تا کنون

آنچه مورد بحث و بررسی ما قرار دارد، تعریف اصطلاحی نسخ است، همان چیزی که لغت شناسان و دانشمندان علم اصول و علمای علوم قرآنی آن را به صورت‌های گوناگون تعریف کرده‌اند.

در اینجا برای روشن شدن بحث، تعاریف اصطلاحی نسخ را به ترتیب تقدم زمانی، چنانکه در مقدمه کتاب «ناسخ و منسوخ» ابوجعفر نحاس آمده متذکر شویم:

۱. ابوبکر جصاص (م ۳۷۰ هـ. ق): «بیان مدة الحکم والتلاوه».

۲. قاضی ابوبکر باقلانی (م ۴۰۳ هـ. ق): «هو الخطاب الدال علی ارتفاع الحکم الثابت بالخطاب المتقدم علی وجه لولاه لکان ثابتاً به مع تراخیه منه».

نسخ عبارت از خطابی است که بر رفع حکم پیشین ثابت قطعی دلالت نماید، به طوری که اگر خطاب دوم نبود، بر استمرار و دوام خود استوار می‌ماند، مشروط بر اینکه ناسخ پس از





صدور و ثبوت منسوخ، صادر شده باشد.

۳. عبدالقاهر بغدادی (م ۴۲۹ هـ. ق): «انه بیان انتهاء مدة التعبد»، نسخ عبارت از بیان پایان یافتن مدت عبادت است.

۴. ابوالحسن بصری معتزلی (م ۴۳۶ هـ. ق): «ازالة مثل الحكم الثابت بقول منقول عن الله أو رسوله ﷺ أو فعل منقول من رسوله ﷺ مع تراخيه، على وجه لولاه لكان ثابتاً.»  
نسخ عبارت است از ازاله مثل حکم ثابت با قولی منقول از خداوند یا رسول خدا ﷺ یا فعلی منقول از رسول خدا ﷺ مشروط بر اینکه دلیل ناسخ متأخر باشد، به صورتی که اگر دلیل ناسخ نبود دلالت بر ثبوت و استمرار داشت.

۵. ابن حزم ظاهری (م ۴۵۶ هـ. ق): «النسخ بیان انتهاء عزم الامرالاول فيما لا يتكرر.»  
بیان پایان و نهایت زمان دستور و فرمان اول در موردی است که دستور قابل تکرار نباشد.

۶. ابن حاجب (م ۶۴۶ هـ. ق): «رفع الحكم الشرعی، بدلیل شرعی متأخر.»

۷. قاضی بیضاوی (م ۶۷۵ هـ. ق): «هو بیان انتهاء حکم شرعی، بطریق شرعی متراخ عنه.»

۸. عبدالوهاب السبکی (م ۷۷۱ هـ. ق): «انه رفع الحكم الشرعی بخطاب.»

۹. زرقانی: «رفع الحكم الشرعی بدلیل شرعی.» ۳۸

۱۰. صبحی صالح همین تعریف را دقیق‌ترین تعریف برای واژه نسخ دانسته است. ۳۹

۱۱. میرزای قمی در قوانین الأصول آورده است: «رفع الحكم الشرعی بدلیل شرعی متاخر على وجه لولاه لكان ثابتاً.» ۴۰

۱۲. آیت الله خوئی در کتاب ارزشمند البیان فی تفسیر القرآن آورده‌اند: «هو رفع امر ثابت فی الشریعه المقدسه بارتفاع امره و زمانه، سواء أكان ذلك الامر المرتفع من الاحکام التکلیفیه، ام الوضعیه و سواء أكان من المناصب الالهیه من غیرها، من الامور التي ترجع الى الله تعالی بما انه شارع.» ۴۱

نسخ عبارت است از رفع امر ثابتی در شریعت به جهت پایان یافتن مدت آن، خواه از احکام تکلیفی باشد و خواه از احکام وضعی باشد و چه غیر از آن موارد، از اموری که به خداوند متعال به عنوان «شارع» برمی‌گردد.

۱۳. آیت الله معرفت نیز در کتاب ارزشمند التمهید می‌گویند: «هو رفع تشریح سابق کان یقتضی الدوام حسب ظاهره»، «تشریح لاحق بحیث لایمکن اجتماعهما معاً، اما ذاتا اذا کان التنافی بینهما بینا او بدلیل خاص من اجماع او نص صریح.» ۴۲

۱۴. علامه طباطبائی نیز در تعریف نسخ فرموده‌اند: «هو الابانة عن انتهاء امد الحكم و انقضاء اجله.» آشکار ساختن انتهای مدت و زمان حکم و پایان عمر آن ۴۳



۱۵. آیت الله مشکینی: «ارتفاع الحکم الکلی المجمعول للامة فی الشریعة عن موضوعه الکلی لأجل تمام امده و انقضاء الملائک فی جعله». ۴۴

نسخ در اصطلاح شرعی یعنی ارتفاع حکم کلی مجمعول برای امت اسلامی، در شریعت اسلام، از موضوع کلی آن، به جهت پایان زمان حکم و انتهای ملاک در جعل آن.  
نتیجه:

پدیده نسخ و تعریف آن از صدر اسلام مورد توجه بوده و در فراز و نشیب تاریخ، تعاریف متفاوتی از آن شده است و مراحل گوناگونی را پشت سر گذاشته است و در هر مرحله تعریف بعدی متکامل تر شده است. در مرحله ای که پژوهشگران اسلامی نسخ را به بیان و خطاب تعریف کرده اند، هر دو تعریف مربوط به ناسخ و یا منسوخ است نه تعریف نسخ. بعدها با دقت نظر دیگر علمای علوم قرآنی، تعریف جامع و مانعی از نسخ به دست داده شده که اشکال تعاریف قبل را ندارد و در این تعریف، از واژه «رفع» استفاده شده، یعنی نسخ عبارت است از رفع حکم شرعی... بنابراین، بر اساس اظهار نظر صاحبان فن، تعریف آیت الله معرفت و آیت الله مشکینی کامل ترین تعریف است، چون:

۱. تعریف این دو بزرگوار تعریف نسخ است نه ناسخ و منسوخ؛
۲. جامع و مانع است و تمامی مصادیق نسخ را فرامی گیرد و بقیه را طرد می نماید؛
۳. بر پایه این تعریف، پدیده نسخ هیچ گونه تغییری در متن واقع و علم ازلی حق ایجاد نمی کند.

### فصل پنجم: فرق نسخ با بداء

علت اینکه در بحث نسخ، از بداء سخن به میان می آید این است که بداء همان نسخ است با این تفاوت که نسخ در افق تشریح است، ولی بداء در افق تکوین و آفرینش. ۴۵

### معنای لغوی و اصطلاحی بداء

معنای لغوی بداء، عبارت است از اینکه «بداء» به معنای ظهور امری بعد از خفای آن است. ۴۶

فیروز آبادی در قاموس اللغه می گوید:

بداله الامر بدوا و بداءا ای: نشاء له فیه رای یعنی برای وی در فلان مسأله، نظریه تازه ای پیدا شد. ۴۷

آیت الله جوادی آملی می فرماید:

برای خداوند «ابداء» است، یعنی اظهار بعد از اخفا، یا اخفا بعد از اظهار، ولی نسبت به ما

«بداء» است یعنی ظهور بعد از خفا. ۴۸

بنابراین بداء همان نسخ است با این تفاوت که بداء در تکوینیات مطرح است و نسخ در تشریعیات.

## فصل ششم: شرایط نسخ

با توجه به تعاریفی که در رابطه با نسخ عنوان شد تا حدودی می توان شرایط تحقق نسخ را برشمرد، اما برای روشن شدن مطلب در اینجا به نظر برخی از علمای بزرگوار اشاره می کنیم:

آیت الله معرفت می فرماید: شروط نسخ عبارت است از:

۱. وجود تنافی بین دو تشریح

تنافی بین دو حکم باید به صورتی باشد که با هم قابل جمع نباشد، و اگر آنها با هم تنافی نداشته باشند از دایره نسخ خارج هستند. در تنافی بین دو حکم فرقی ندارد که این تنافی ذاتی باشد مثل آیات صفح با آیات قتال و یا به دلیل قاطع که دال بر نقض دلیل شرعی سابق با دلیل شرعی لاحق باشد، مثل آیات ۴۹ امتناع با آیه اعتداد ۵۰، به اربعة اشهر و عشرة ایام و آیه مواریث. ۵۱

۲. تنافی بین دو تشریح باید کلی باشد

تنافی باید کلی باشد و علی الاطلاق نه به صورت جزئی. بنابراین آیات خاص نمی توانند آیات عام را نسخ کنند، بلکه افراد موضوع را تخصیص می زند. ۵۲

۳. حکم سابق محدود به زمان مغبی نباشد

حکم سابق نباید محدود به زمان صریح باشد. چون اگر مغبیا به غایت صریح باشد، بعد از انتهای زمان، حکم خود به خود رفع می شود و نیازی به نسخ نیست. مثل: «فقاتلوا التي حتى تفيء الي امر الله» (حجرات، ۹/۴۹) با آنها بجنگید تا به فرمان خدا تن بدهند. اما اگر حکم سابق محدود به زمان غیر صریح باشد، اشکال ندارد و شامل نسخ می شود مثل: «او يجعل الله لهن سبيلاً...» (نساء، ۱۵/۴)

۴. نسخ تعلق به حکم شرعی دارد

نسخ در قلمرو احکام تشریعی امکان پذیر است نه در جریان اخبار از واقع، مثلاً: «ثلة من الاولين. و ثلة من الاخرين» (واقعه، ۳۹/۵۶، ۴۰) نمی تواند نسخ «ثلة من الاولين. و قليل من الاخرين» (واقعه/۱۳، ۱۴) باشد.

۵. وحدت موضوع

یکی از شرایط نسخ، وحدت موضوع است، زمانی که موضوع حکم عوض شود، حکم هم لامحاله تغییر می کند، چون حکم وابسته به موضوع است. بنابراین در این موارد که موضوع دو



حکم واحد نیست، نسخ راه ندارد. مثلاً آیه ۱۶۰ سوره بقره ۵۳ صلاحیت ندارد، ناسخ آیه ۱۵۹ سوره بقره ۵۴ باشد، چون تبیین غیر از کتمان است، یعنی موضوع حکم فرق دارد. بنابراین از موارد تخصیص است. ۵۵

زرقانی می گوید:

۱. منسوخ حکم شرعی باشد.
۲. دلیل رفع حکم، ناسخ دلیل شرعی باشد.
۳. دلیل رافع، متأخر از دلیل اول باشد.
۴. بین دو دلیل تعارض حقیقی باشد.

زرقانی می گوید: ۵۶ این چهار شرط، از شرایطی است که مورد اتفاق علمای علوم قرآن است، اما یک سری شروط دیگر هم هست که در شرطیت آنها اختلاف است که عبارتند از:

۱. ناسخ قرآن باید قرآن باشد و ناسخ سنت، سنت.
۲. نسخ مشتمل بر بدل حکم منسوخ باشد.
۳. ناسخ مقابل منسوخ باشد.
۴. ناسخ و منسوخ در نص قاطع باشند.

آیت الله خوئی «ره» می فرماید:

۱. منسوخ امری است شرعی:

موضوع نسخ باید امری شرعی باشد، لذا احکام حقوقی و اجتماعی و مناسبات عرفی از موضوع نسخ خارج است و رفع آنها، نسخ بشمار نمی آید. چون از امور شرعی نیستند.

۲. منسوخ باید به مقتضای اطلاق، ظهور در دوام داشته باشد:

از دیدگاه آیت الله خوئی «ره»، حکم شرعی باید ظهور در دوام داشته باشد و نه به صورت صریح و نه به صورت رمزی توقیت نشده باشد. ایشان قائلند، اگر حکمی موقتی باشد، هر چند به نحو اجمال و ابهام بیانگر وقت و انتهای آن است و این از موارد نسخ محسوب نمی شود. ۵۷

۳. احکام امتحانی نسخ پذیر نیستند:

بر اساس تعریف صاحب البیان، نسخ عبارت است از، رفع حکم ثابت در شریعت مقدس، به دلیل پایان یافتن مکلفان؛ و اگر برای روشن شدن میزان اعتقاد یا پایداری آنها صادر شده، تخصصاً از موضوع نسخ خارج است، مثل امر خدا به حضرت ابراهیم علیه السلام نسبت به ذبح حضرت اسماعیل. ۵۸

۴. ناسخ (منسوخ به) باید خبر متواتر باشد:

اخبار آحاد هر چند از صحابی و راویان عادل نقل شده باشد، برای اثبات نسخ کافی نیست، ایشان معتقدند «سنت» متواتر یا اجماع قطعی، کاشف از صدور نسخ از معصوم و معتبر

است. ۵۹. همچنان که مسلمانان به عدم اثبات متن قرآن به وسیله خبر واحد، اتفاق نظر دارند، بر عدم اثبات نسخ به خبر واحد هم اجماع دارند. ۶۰

۵. منسوخ، باید دلیل شرعی باشد:

منسوخ باید دلیل شرعی باشد، منسوخ به یا ناسخ هم باید حکمی شرعی باشد. عده‌ای از اهل سنت راه افراط پیش گرفته و معتقد به نسخ قرآن، به وسیله اجماع و حتی قیاس شده‌اند که حرفی نادرست است. از دیدگاه آیت الله خوئی «ره»، دلیل شرعی منحصر به کتاب و سنت است و اجماع زمانی حجت است که قطعی و کاشف از قول معصوم و در نتیجه راجع به کتاب و سنت باشد. ۶۱

نتیجه:

با توجه به دیدگاه‌های مطرح شده، اساسی‌ترین و بنیادی‌ترین شروط تحقق نسخ عبارتند از:

۱. وجود دلیل معتبر بر ثبوت حکم منسوخ و ابطال آن با دلیل جدید.
۲. همان‌گونه که منسوخ باید دلیل شرعی باشد، ناسخ نیز باید حکم شرعی باشد.
۳. دلیل منسوخ به (ناسخ) باید متأخر از منسوخ باشد.
۴. حکم منسوخ نباید موقت به زمان خاص باشد.
۵. میان دو حکم تنافی باشد آن هم به صورت کلی.

### فصل هفتم: اقسام نسخ

دانشمندان علوم قرآن نسخ را بر اساس تقسیم عقلی به سه دسته تقسیم کرده‌اند:

الف- نسخ تلاوت و ابقای حکم  
منظور از این نوع یعنی اینکه در قرآن آیه یا آیاتی بوده‌اند که تلاوت آنها نسخ شده و از صفحه قرآن ساقط شده ولی حکم آن هنوز باقی است.

دلیل قائلان به این نوع از نسخ، حدیثی از عایشه، از قول عمر، خلیفه دوم است که آیه «رجم» و «رضاعه» نازل شده و در صحیفه من زیر تختم بود، زمانی که پیامبر گرامی اسلام ﷺ رحلت فرمودند، ما مشغول کفن و دفن پیامبر بودیم، بز خانگی داخل شده و آنرا خورد. ۶۲

زرکشی در البرهان می‌گوید:

از عمر روایت شده که در سوره نور آیه‌ای بنام «رجم» بوده که تلاوت آن نسخ شده است. و اگر مردم نمی‌گفتند عمر در کتاب خدا چیزی زیاد کرده است، با دست خود آنرا می‌نوشتیم. ۶۳

زرکشی اقوال علمایی چون ابن حیان و ابن حاجب را در تأثیر این حدیث نقل می‌کند، ولی نهایتاً به این نتیجه می‌رسد که با اتکا به حرف عمر نمی‌توان قائل شد که آیه «رجم» آیه‌ای از قرآن

سیوطی در الاتقان هر چه در این رابطه بیان کرده، در تأیید روایت عایشه از عمر است . و حتی حرف زرکشی در البرهان را رد می کند و می گوید :

چون عمر آن آیه را از خود پیامبر تلقی کرده است، از قرآن است . ۶۵

بنابر گفته سیوطی، می توان سیوطی را از قائلان به نسخ تلاوت و بقاء حکم دانست و حال آنکه بنابر نظر شیعه این نوع نسخ باطل است و اصلاً در قرآن قابل تصور نیست . چون قائل شدن به این نوع از نسخ، قائل شدن به تحریف قرآن است و تحریف قرآن اصلاً واقع نشده است . ۶۶

### ب- نسخ حکم و تلاوت

قائلان به این نظر می گویند، آیه ای در قرآن بوده که دارای حکم تشریحی نیز بوده است و مسلمانان آن را می خواندند، عمل می کردند و بر اساس آن حکم می کردند، اما بعد نسخ شد و حکم آن هم باطل شد و از صفحه وجود پاک شد .

دلیل قائلان این گروه هم روایتی از عایشه است که عایشه گفته است :

كان فيما انزل عشر رضعات فمسخن بخمس معلومات، فتوفى رسول الله ﷺ و هن

مما يقرأ من القرآن . ۶۷

زرکشی می گوید : ۶۸

«و هن مما يقرأ» اضافه شده به حدیث و این مطلب بیانگر بقای تلاوت است در حالی که

اینطور نیست .

اما زرقانی، ادعای اجماع بر این قسم از نسخ کرده است ۶۹ و گفته است : دلیل آن، روایت عایشه است، چون عایشه از پیش خود چیزی نمی گوید .

آیت الله معرفت ضمن اظهار تعجب از حرف زرقانی که قائل به اجماع مسلمین در این رابطه

شده، می فرماید :

عده ای از علما، مثل قاضی ابوبکر این نوع از نسخ را اساساً مردود می دانند و عده ای هم

حدیث را تأویل کرده اند، پس ادعای اجماع درست نیست ۷۰، همچنین قائلان به این نوع از

نسخ اگر کمی دقت کنند در می یابند که این کار نتیجه ای جز محکم کردن باور دشمنان

اسلام در اشاعه تحریف قرآن ندارد و در واقع تأیید حرف آنهاست .

### ج- نسخ حکم و ابقای تلاوت

منظور از این گونه نسخ این است که آیه ای نازل شده ولی بعد از مدتی یک آیه دیگر حکم آنرا

برداشته است . ولی خود آیه وجود دارد . این نوع از نسخ، بین علمای علوم قرآن و مفسران مورد

بحث و بررسی قرار گرفته است . چون این قسم از نسخ در قرآن واقع شده است و تعدادی از

آیات منسوخ شده اند و علمای زیادی در این باره کتاب های مستقل نوشته اند، و در آن ناسخ و

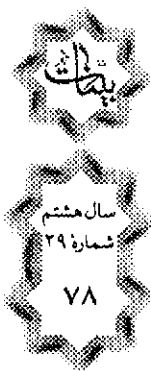
- منسوخ را نقد و بررسی کرده اند. مثل عالم شهیر ابو جعفر نحاس . ۷۱
- نسخ حکم و ابقای تلاوت به صورت های زیر ممکن است انجام پذیرد: ۷۲
۱. نسخ حکمی ثابت از احکام قرآن به وسیله حکم دیگر از خود قرآن که ناظر به حکم منسوخ و مبین رفع آن است.
  ۲. رفع حکمی از قرآن به وسیله خبر متواتر یا اجماع قطعی که کاشف از صدور از معصوم باشد.
  ۳. نسخ حکمی ثابت در قرآن کریم با آیه ای دیگر که ناظر به حکم منسوخ و مبین رفع آن نیست.

### آیت الله خوئی (ره) می فرماید:

- نسخ قرآن با سنت متواتر و یا اجماع قطعی که کاشف از صدور باشد از حیث عقل و نقل اشکال ندارد، و نسخ قرآن با آیه ای که ناظر به حکم منسوخ باشد نیز مشکلی ندارد، اما نسخ قرآن با آیه ای دیگر که ناظر به حکم منسوخ نباشد در قرآن واقع نشده است. ۷۳
- آیت الله معرفت، شرایط تحقق نسخ حکم و بقای تلاوت را این گونه بیان می کند:
۱. برای وقوع نسخ حکم و بقای تلاوت باید: ۷۴
  ۱. بین دو آیه تنافی باشد؛
  ۲. تنافی بین دو آیه کلی باشد و جمع بین دو آیه ممکن نباشد؛
  ۳. وجود نص صریح و روایات قطعی الصدور و صریح که اجماع مسلمانان بر آن تأکید کند، و دلیلی محکم بر تاریخ نزول و تقدم و تأخر آیه باشد. در غیر این صورت، تقدم و تأخر آیات نمی تواند دلیل بر ناسخ و منسوخ بودن آنها باشد، حتماً در این زمینه نیاز به روایات قطعی الصدور است. در ثانی درک تنافی کلی بین دو آیه ممکن نیست، مگر با توجه به روایات معصومین علیهم السلام، چون قرآن دارای ظاهر و باطن و آیات محکم و متشابه است و آگاهی بر کنه آیات راحت نیست، اگر چه آیه محکم باشد. به خاطر همین دلیل عده ای از علما بدون دقت و توجه، تعداد زیادی از آیات را جزء ناسخ و منسوخ شمرده اند در حالی که از موارد عام و خاص و یا مطلق و مقید هستند.

### فصل هشتم: امکان وقوع نسخ

در رابطه با امکان و جواز نسخ هیچ گونه اختلافی در بین مسلمانان نیست و همه بر آن اجماع دارند، مگر «ابو مسلم اصفهانی» که در مقابل اجماع، منکر نسخ شده است و قائل است که در احکام اسلام، هیچ گونه نسخی راه ندارد. و حال آنکه با توجه به این مطلب که خداوند سبحان قوانین شرع را با توجه به مصلحت بندگان خود وضع می کند و انسانها نیز در نشئه تغیر به سر



می‌برند و در بعضی از زمانها باید قوانین عوض شود، بنابراین قانون الهی نیز در عبور از زمان و شرایط مختلف باید فرق کند، از این رو خداوند می‌فرماید: «الکل جعلنا منكم شرعةً و منهاجاً...» (مائده، ۴۸/۵) برای هر پیامبری دستوراتی خاص است که آن دستورات بر طبق شرایط زمان و مکان است.

زرکشی در «البرهان» می‌گوید:

و الصحيح جواز وقوعه سمعاً و عقلاً، صحيح این است که نسخ سمعاً و عقلاً جایز است. بنابراین نسخ جایز است و امکان آن نزد جمهور اثبات شده است.

### اعتقاد به نسخ بین قائلان و منکران

در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان قائلان و منکران نسخ را به گروه‌های زیر تقسیم کرد:

۱. گروهی عقلاً نسخ را قبول دارند و وقوع آن را هم در سطح شرایع آسمانی، حتی در حوزه دین اسلام قبول دارند و پدیده نسخ را نشانه یک دین و شریعت مترقی می‌دانند. ۷۵
۲. وقوع نسخ را عقلاً قبول دارند و وقوع آن را در حوزه شرایع قبلی تأیید کرده‌اند، اما وقوع آن را در دین اسلام به طور کلی منکراند، مثل ابو مسلم اصفهانی. ۷۶
۳. گروهی می‌گویند نسخ عقلاً امکان دارد، در شرایع نیز واقع شده است و اسلام، ادیان دیگر را نسخ کرده است، اما در آیات قرآن نسخ راه ندارد، مثل هبة الدین شهرستانی. ۷۷
۴. گروهی نسخ را از دیدگاه عقل و فقه محال دانسته‌اند، مثل طایفه شمعونیه. ۷۸
۵. گروهی می‌گویند نسخ در حوزه ادیان هیچ‌گونه محذور عقلی ندارد ولی از نظر شرایع آسمانی وقوع چنین چیزی محال است، مثل فرقه «عناده» از یهود. ۷۹
۶. گروهی هم قائل‌اند، نسخ عقلاً جایز است، از طریق کتب آسمانی نیز واقع شده، دین اسلام هم دین آسمانی و بر حق است، اما جهانی نیست، بلکه ویژه ملت عرب است و ناسخ دین مسیحیت نیست، مثل فرقه «عیسویه»، طایفه‌ای از یهود. ۸۰

### ادله ثبوت نسخ از دیدگاه عقل و نقل

#### الف- ادله جواز نسخ از دیدگاه عقل

زرقانی معتقد است، ادله جواز عقلی نسخ چهار دلیل است:

۱. نسخ محذور عقلی ندارد، و هر چه محذور عقلی نداشته باشد، عقلاً جایز است، پس نسخ جایز است.
۲. اگر نسخ عقلاً و سمعاً جایز نباشد، چطور خداوند تبارک و تعالی بندگانش را امر به اعمال موقت می‌کند، وقتی خداوند بندگانش را به اعمالی موقت امر می‌کند، این دلیل بر وقوع



نسخ است .

۳ . اگر نسخ جایز نباشد، رسالت پیامبر ﷺ برای تمامی مردم اثبات نمی شود و حال آنکه دین اسلام برای تمامی مردم با ادله قاطع و براهین روشن ثابت است .

۴ . مواردی وجود دارد که دلالت بر وقوع نسخ از حیث سمع دارد، هر چه که واقع شود، مستلزم جواز هم هست .<sup>۸۱</sup>

ب- دلایل وقوع نسخ از نظر نقل  
 ادله نقلی دو دسته اند :

۱ . دلایلی که برای منکران نسخ از یهود و نصاری است .

۲ . دلایلی که برای مسلمانان و یا عیسویه است .

نوع اول از ادله نقلی نسخ

۱ . موارد وجود نسخ در تورات و انجیل مثل اینکه در زمان حضرت نوح علیه السلام همه موجودات زنده حلال بودند ولی در تورات تعداد زیادی از چهار پایان بر اصحاب بعد از نوح حرام شده است .

۲ . امر خداوند به حضرت ابراهیم در رابطه با ذبح حضرت اسماعیل و بعد فرمود : « لا تذبحه » .

۳ . حلال بودن کار دنیا در روز شنبه برای غیر یهود و حرام شدن آن برای یهود .<sup>۸۲</sup>

نوع دوم از ادله نقلی نسخ<sup>۸۳</sup>

آیات سه گانه نسخ دلیل بر وقوع نسخ در قرآن و شریعت اسلام است :

۱ . آیه ۱۰۶ ، بقره « ما ننسخ من آیه او ننسها نأت بخیر منها او مثلها »

۲ . آیه ۳۹ ، رعد « یمحو الله ما یشاء و یشئ و عنده ام الكتاب »

۳ . آیه ۱۰۱ ، نحل « و اذا بدلنا آیه مکان آیه و الله اعلم بما ینزل ... »

### فصل دهم : بررسی تعداد آیات ناسخ و منسوخ

اگر از افراطی که برخی در زمینه اکتشاف «نسخ» در قرآن کرده اند بگذریم، بایک سیر اجمالی در اقوال بزرگان آشنا به علوم قرآن و تفسیر، روشن می شود که به تدریج با ضابطه مند شدن اصطلاح نسخ دایره، نواسخ در قرآن محدود گردیده است و نظر محققان متأخر خط بطلان بر نظریه طرفداران فراوانی نسخ در قرآن کشیده است . پیشینیان حدود ۵۰۰ آیه از قرآن را منسوخ می دانستند .<sup>۸۴</sup>

مصطفی زید در کتاب خود، موارد ادعایی «نسخ» نزد متقدمان را این گونه گزارش می کند :

ابو عبدالله محمد بن حزم ۲۱۴ مورد، ابن سلامه ۲۱۳ مورد، ابن جوزی ۲۴۷ مورد را از

مصادیق نسخ دانسته اند .<sup>۸۵</sup>



سیوطی در الاتقان، ضمن رد عقیده طرفداران کثرت آیات منسوخه در قرآن، در یک بررسی درباره آیات نسخ از ابتدا تا انتهای قرآن، موارد معدودی را ذکر کرده است که عبارتند از: سوره بقره شش آیه، آل عمران یک آیه، نساء دو آیه، احزاب یک آیه، ممتحنه یک آیه، مزمل یک آیه. ۸۶

بنابراین آیات منسوخ در نزد سیوطی ۲۱ آیه است.

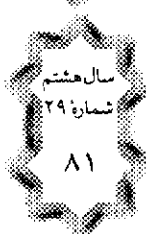
آیت الله معرفت<sup>۸۷</sup> قائل اند ۸ آیه از قرآن منسوخ شده است. علامه طباطبائی<sup>۸۸</sup> می فرمایند ۵ آیه، آیت الله سبحانی معتقداند تعداد آیات منسوخ در قرآن فقط دو آیه است<sup>۸۹</sup> و آیت الله خوئی تنها یک مورد از آیات قرآن را مصداق نسخ می دانند و آنهاهم آیه نجواست. بنابراین تعداد آیات ناسخ و منسوخ در قرآن زیاد نیست و علت اختلاف نظر علما در باب تعداد آیات ناسخ و منسوخ، به تعریف هر یک از نسخ بر می گردد.

\*نسخ از نگاه تحقیق\*

۱. آیت الله معرفت، محمد هادی، التمهید فی علوم القرآن، ۲/ ۲۶۹- ۲۷۳.
۲. ابن حزم اندلسی، الناسخ و المنسوخ فی القرآن الکریم/ ۵.
۳. زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ۲/ ۱۵۸.
۴. زرقانی، محمد بن عبدالعظیم، مناهل العرفان فی علوم القرآن، ۲/ ۱۷۳- ۱۷۶، ۱۴۱۶ هـ. / ۱۹۹۶ م.
۵. مولائی نیا، عزت الله، نقد نظریه انکار نسخ / ۱۱، چاپ اول ۱۳۷۸.
۶. مناهل العرفان فی علوم القرآن / ۱۸۸.
۷. همان.
۸. همان / ۱۸۶.
۹. سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ۱/ ۷۰۰.
۱۰. آیت الله خوئی، البیان فی تفسیر القرآن، ۱/ ۲۴۲، چاپ دوم، نجف ۱۳۸۷ هـ. ق.
۱۱. مناهل العرفان فی علوم القرآن، ۱/ ۲۵۴.
۱۲. الاتقان فی علوم القرآن، ۲/ ۶۴۷؛ مناهل العرفان فی علوم القرآن، ۲/ ۱۵۱ تا ۱۵۳.
۱۳. ابن ندیم، الفهرست، فن ثالث از مقاله اول / ۶۲.
۱۴. محمد بن علی بن احمد داودی، طبقات المفسرین، ۱/ ۳۸۵، چاپ بیروت، دار الکتب علمیه.
۱۵. البرهان فی علوم القرآن، ۲/ ۱۵۲، ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ۵/ ۲۶۹- ۳۸۳.
۱۶. الفهرست / ۹۵، ابن خلکان، وفيات الاعیان، ۳/ ۴۳۶.
۱۷. قهبانی، مجمع الرجال، ۴/ ۲۵.
۱۸. علوم قرآن و فهرست منابع، ج ۱.
۱۹. الفهرست / ۲۲۳؛ ذهبی، لسان المیزان، ۱/ ۲۲۵.
۲۰. طبقات المفسرین، ۲/ ۳۷.
۲۱. همان، ۱/ ۲۰۷.

ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

فصل بیستم در نسخ



۲۲. عزت الله مولائی نیا، نسخ در قرآن / ۵۲.
۲۳. همان / ۵۳.
۲۴. البرهان فی علوم القرآن / ۱۵۲.
۲۵. همان.
۲۶. البرهان فی علوم القرآن، ۱۵۳/۲ ؛ الاتقان فی علوم القرآن / ۶۴۷.
۲۷. همان.
۲۸. ر. ک: مصطفی زید، النسخ فی القرآن الکریم، ۳۴۱/۱ - ۳۹۵.
۲۹. البرهان فی علوم القرآن، ۱۵۲/۲.
۳۰. لسان العرب، ۶۱/۳.
۳۱. مفردات راغب، ۴۹۰/۱، کتاب التون.
۳۲. مناهل العرفان، ۱۹۴/۲.
۳۳. البیان فی تفسیر القرآن / ۲۷۷.
۳۴. النسخ فی القرآن، ۵۶/۱، فقره ۶۵.
۳۵. آیه ۱۰۶ بقره «ما ننسخ من آیه...» آیه ۳۹ رعد «یمحو الله ما یشاء ویثبت...» آیه ۱۰۱ نحل «وإذا بدلنا آیه مکان آیه...».
۳۶. علی حسن عریض، فتح المنان فی نسخ القرآن / ۱۱ - ۱۳.
۳۷. ابو جعفر نحاس، الناسخ و المنسوخ، ۱۰۷/۱ - ۱۱۰.
۳۸. مناهل العرفان، ۱۷۶/۲.
۳۹. صبحی صالح، مباحث فی علوم القرآن / ۲۶.
۴۰. میرزای قمی، قوانین الاصول ج ۱.
۴۱. البیان فی تفسیر القرآن / ۲۹۶.
۴۲. التمهید فی علوم القرآن، ۲۷/۲.
۴۳. علامه طباطبائی، المیزان، ۲۴۷/۱ و ۲۴۹، چاپ دوم، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۹۷۲ م / ۱۳۹۲ هـ.
۴۴. مشکینی، اصطلاحات الاصول و معظم ابحاثها، چاپ چهارم، قم، نشر الهادی.
۴۵. التمهید فی علوم القرآن، ۲۷۲/۲، البیان فی تفسیر القرآن / ۴۰۷، مجموعه مقالات کنگره شیخ مفید، مقاله ۶ / ۱۶.
۴۶. آیت الله جوادی آملی، تفسیر سوره بقره، آیه ۱۰۶.
۴۷. فیروز آبادی، محمد بن یعقوب، قاموس اللغة، ۸/۱، ماده بقاء؛ مناهل العرفان، ۲۷۶/۲.
۴۸. آیت الله جوادی آملی، تفسیر سوره بقره، آیه ۱۰۶.
۴۹. همان، آیه ۲۴۰.
۵۰. همان، آیه ۲۳۴.
۵۱. همان، آیه ۱۲، سوره نساء.
۵۲. التمهید فی علوم القرآن، ۲۷۶/۲.
۵۳. «الا الذین تابوا و اصلحوا و یتوبوا فاولئک اتوب علیهم و انا التواب الرحیم».
۵۴. «ان الذین ینکتمون ما انزلنا من البینات و الهدی».
۵۵. التمهید فی علوم القرآن، ۲۷۸/۲.
۵۶. مناهل العرفان فی علوم القرآن، ۱۹۹/۲، ۲۰۰، النسخ فی القرآن الکریم، ۱۶۶/۱ - ۲۲۰، فقره ۲۴۸ - ۳۱۳.
۵۷. البیان فی تفسیر القرآن / ۳۰۷.
۵۸. فصلنامه بینات، شماره ۱، سال چهارم، بهار ۱۳۷۶، محسن آرئین، مبانی و شروط نسخ در البیان.

۵۹. البیان فی تفسیر القرآن / ۳۰۵.
۶۰. همان / ۳۰۴.
۶۱. همان / ۳۴۵.
۶۲. صحیح بخاری، ۱۰۸/۱۳، کتاب الاحکام.
۶۳. البرهان فی علوم القرآن، ۳۷/۲.
۶۴. همان.
۶۵. الاتقان فی علوم القرآن / ۶۶۱-۶۶۶.
۶۶. ر. ک: التمهید فی علوم القرآن، ۲۸۷-۲۸۲/۲.
۶۷. البرهان، ۳۹/۲.
۶۸. همان؛ الاتقان فی علوم القرآن / ۶۵۱.
۶۹. مناهل العرفان، ۲۳۶/۲.
۷۰. التمهید فی علوم القرآن، ۲۸۷-۲۸۱/۲.
۷۱. البیان فی تفسیر القرآن / ۳۰۵.
۷۲. همان؛ التمهید فی علوم القرآن، ۲۸۷/۲، آیت الله جناتی، کتاب منیع اجتهاد، کیهان اندیشه شماره ۱۶، ۱۳۶۶، ص ۱۷.
۷۳. البیان فی تفسیر القرآن / ۳۰۶.
۷۴. التمهید فی علوم القرآن، ۲۸۸/۲.
۷۵. البیان فی تفسیر القرآن / ۳۰۳، التمهید فی علوم القرآن / ۲۷۲.
۷۶. فتح المنان فی نسخ القرآن / ۸۱.
۷۷. همان.
۷۸. مناهل العرفان فی علوم القرآن / ۲۰۷.
۷۹. همان.
۸۰. همان / ۲۱۱.
۸۱. همان / ۲۰۹، ۲۱۰، البته لازم به ذکر است که آنچه در باب تعریف نسخ بیان شد، تمامی احکامی که به موجب ارتفاع موضوع خارجی آنها برداشته می شود، از آن تعریف خارج می شود. مثل ارتفاع حجج با پایان یافتن ماه های حج، یا ارتفاع وجوب روزه با داخل شدن شب، و جای تعجب است که زرقانی برای اثبات جواز نسخ از این دلیل استفاده کرده است.
۸۲. همان / ۲۰۹-۲۱۴، با تغییراتی در متن.
۸۳. علاقمندان برای چگونگی دلالت این آیات بر نسخ و توضیحات لازم می توانند ر. ک: تفسیر المیزان، ۳۷۷/۱ و ۲۲۵-۲۵۳؛ ۳۴۳/۷؛ ۱۲/۳۴۰؛ ۲۰۲/۱۳.
۸۴. الفوز الکبیر فی اصول التفسیر.
۸۵. رساله «ناسخ و منسوخ در قرآن و دیدگاه علامه» / ۱۰۶ و ۱۰۷.
۸۶. ر. ک: الاتقان فی علوم القرآن، ۷۰۸-۷۱۲، مناهل العرفان، ۲۷۰-۲۵۶/۲.
۸۷. ر. ک: التمهید فی علوم القرآن، ۳۱۶-۳۰۰/۲.
۸۸. المیزان، ۴۵/۱، ۲۵۷، ۴/۲۳۳؛ ۱۴/۹-۴۳، ۱۸۹.
۸۹. آیت الله جعفر سبحانی، الموجز فی اصول الفقه، ۲۲۶/۱.

